

عفو و تخفیف مجازات تعداد قابل توجهی از متهمان و محکومان حوادث اخیر: در پی پیشنهاد رئیس قوه قضاییه مبنی بر موافقت با عفو و تخفیف مجازات جمع قابل توجهی از متهمان و محکومان حوادث اخیر و همچنین محکومان دادگاه‌های عمومی و انقلاب و سازمان قضایی نیروهای مسلح، رهبر انقلاب اسلامی با این پیشنهاد موافقت کردند.

پیشنهاد عفو

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهور پیشین کشورمان در پیامی به مناسبت چهل و چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی تأکید کرد: به صراحت می‌گویم که باید به توقع و خواست ملت تمکین کرد و ملت را فراتر از نسل ما و نسل‌هایی که در انقلاب و حتی اصلاحات حضور داشتند دانست. اصلاح خود نام دیگر دفاع از همان آرمان‌ها و خواست‌هایی است که ملت داشته و از جمله در انقلاب آن را آشکار کرده است و نه بازگشت به آن شیوه از اصلاحاتی که در اثر سرسختی حاکمیت و نیز خطاهای خود ناتمام ماند.

سال هفدهم - شماره ۷۶۱ - چهارشنبه ۱۹ بهمن ۱۴۰۱ - ۱۷ رجب ۱۴۴۴ - قیمت ۲۰۰۰ تومان

انعکاس آینه

یوسف نوری، عدم اجرای عدالت آموزشی و نابرابری‌های استخدامی

نگارنده این سطور وظیفه می‌داند از یکایک فرهنگیان و معلمانی سپاسگزاری نماید و در برابر آنان سر تعظیم فرود آورد که طی سالیان متممادی برای احقاق حق معلمان و در مسیر اجرای عدالت آموزشی تلاش نمودند و در شهرها و مناطق مختلف در گردهمایی‌های فرهنگی شرکت کردند و درخواست‌های قانونی خود را به اطلاع مسئولان رساندند. گرچه بعضی از آنان دستگیر و بازداشت و زندانی شدند و خود و خانواده‌هایشان در رنج و عذاب، روزگار گذراندند بویژه که عده‌ای از آنان همراهِ و در کنار معلمان در نشست‌های فرهنگیان در ادارات آموزش و پرورش حاضر می‌شدند و از بی‌عدالتی‌ها و تضییع حق معلم سخن می‌گفتند و انتظار و آرزوی آنان این بود که نمایندگان مجلس و مسئولان وزارت آموزش و پرورش و دولتمردان بخود آیند و برای احقاق حق معلم گام‌های مثبت‌تر و مؤثرتری بردارند اما اکنون از دنیا رفته و روی در نقاب خاک کشیده‌اند بدان امید که زحماتشان ماجور و مورد قبول درگاه حق تعالی قرار گیرد به یقین یاد خیر و خاطره آنان همیشه در ذهن همکاران فرهنگی ماندگار خواهد بود.

معلمان طی سالیان متممادی شاهد ناظر بودند شعرا و روزنامه‌نویسان مسئولان درباره ترمیم حقوق و مزایای فرهنگیان تحقق نمی‌یافت و به موقع حق قانونی آنان پرداخت نمی‌گردید و به ناچار مشقت‌های زندگی را تحمل می‌کردند. در دولت‌های گذشته در این ستون بارها به علت بی‌توجهی مدیران به وضعیت زندگی فرهنگیان اعم از شاغل و بازنشسته و انتقاد و اعتراض از این که چرا حاکمان و بسیاری از مسئولان در هر سه قوه علاوه بر دریافت حقوق و اضافه کار و حق مدیریت و استفاده از امکانات دولتی گرچه قانونی در پایان هر سال به اسم مطالبات از دولت وجهی طلبکار نبودند اما معلمان از معدود قشر و دسته‌های بودند که می‌بایست چندین سال بی‌دری از دولت طلبکار بوده و مدت‌های مدید در پی دریافت دستمزد اولیه خود باشند که بعد از وصول نیز چندین برابر ارزش پول دریافتی آنان کاهش داشت.

با اظهار سپاس و تشکر از مدیران و مقاماتی که وظیفه قانونی و اداری خود را انجام داده و می‌دهند در یکسال و نیم دوران دولت سیزدهم در این ستون درباره عدم آشنایی سیدابراهیم رئیسی با آموزش و پرورش و تذکری محترمانه به وزیر آموزش و پرورش که آمرانه و با تحکم و تهدید به اخراج نمی‌توان وزارت آموزش و پرورش را اداره کرد سرانجام در سرمقاله شماره ۷۴۸ مورخ ۱۴۰۱/۸/۴ با عنوان «درخواست برکناری یوسف نوری وزیر ناکار آمد از رییس دولت» مطالبی جهت اطلاع خوانندگان آینه یزد درج گردید. وزیر آموزش و پرورش به خوبی می‌داند هفت دهک مردم با سختی زندگی می‌کنند تورم و گرانی سرسام‌آور می‌باشد و سفرها روزبه‌روز کوچکتر شده است شهروندان می‌دانند هنگام خرید مایحتاج زندگی گزارش‌ها و شعارهای دولتمردان دردی از آنان را درمان نخواهد کرد و با گوشت و پوست و استخوان خود بی‌ارزش شدن پول و گرانی‌های کمرشکن را احساس می‌کنند بنابراین باتوجه به این که اخیراً هیات دولت در یزد تشکیل جلسه داد و از بیت‌المال هزینه‌های گزافی روی دست مردم گذاشت که در سرمقاله شماره ۷۵۹ مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۸ با عنوان «در سفر رئیس‌جمهور «خادمان» سواره بودند و «ولی نعمتان» از قفا می‌دویند!» به تفصیل به سفر استانی دولت به یزد اشاره شد با این وصف دیگر چه نیازی بود که یوسف نوری در نیمه اول آذرماه به یزد بیاید، دست‌آورد این سفرها جز «نشستن و گفتن و برخاستن» چه بوده است؟ آیا در استان دارالعباده به اطلاع وزیر آموزش و پرورش رسید در این شهر و دیار مسئولان توان اجرای پیشنهادی که وزیر به رئیس‌جمهور داده است تا در حد امکان مدارس را تعطیل نکنند ندارند؟

ادامه در صفحه ۲

آری، این چنین بود ۵۸!



بازرگان بعد از استعفا در پاسخ به این پرسش که چرا برای ملاقات با مشاور کارتر (برژه ژینسکی) در الجزایر از امام اجازه نگرفته گفت: مگر ایشان شاه است و من هویدا هستم که به خاطر ملاقات با مقام خارجی اجازه بگیرم؟

عمومی و شهروندان عادی است و از بخت‌یاری کسانی است که آن سال را با تمام وجود درک کرده و جرعه‌جرعه سر کشیده‌اند ولو بعدتر مایه تحسّر و تحیر شده باشد. اما چرا سرخ‌ساز ۵۸ رفته‌ام؟ چون دیدم روز چهارشنبه ۱۲ بهمن ۱۴۰۱ حسن روحانی رئیس‌جمهوری پیشین ایران بهترین راهکار برای تغییر فضای سیاسی و اقتصادی را رجوع یا ارجاع یا الگو قرار دادن سال ۱۳۵۸ دانسته است. روشن است که در پی این همه حذف و این همه سال و این همه رخداد، شدنی نیست اما واقعا هیچ آیینی به اندازه ۵۸ تنوع و تکرار انقلاب ۵۷ را به‌یادمانی تاباند. بی‌هیچ اغراقی و از هر منظری هیچ سالی به اندازه ۵۸ شاد و سرزنده نیست ولو با نگاه کنونی پر از توهم و آرزوی محال در نظر آید یا گفته شود بیش از آزادی، آناشسی بود و معلوم بود دوام نمی‌آورد. بحث بر سر اینها نیست. خود ۵۸ یک برش شیرین از تاریخ معاصر و شاید کل تاریخ این سرزمین است چرا که هیچ‌گاه قبل و بعد از آن مردم ایران، مثل آن سال امکان

این یادداشت ناظر به شخصیت‌های سیاسی تأثیرگذار در سال ۵۸ یا حتی فرهنگی نیست. درباره حال‌وهوای جامعه و حس عمومی مردم و شادابی و نشاط است. حال و هوایی که به دلایل مختلف نباید و دیگر تکرار نشد. عصرایران؛ مهرداد خدیبر - همواره به کسانی که مایل اند با حال و هوای آغاز پیروزی انقلاب آشنا شوند و حوصله مطالعه تحلیل‌های تاریخی و اسناد را ندارند توصیه می‌کنم کتاب «حکومت ۵۸» حاوی تصاویر استثنایی و فوق‌العاده خانم مریم زندی را اگر نمی‌توانند به خاطر قیمت بالا خریداری کنند دست‌کم ببینند و در شهر کتاب و باغ کتاب یا جایی توری کنند. البته قیمت بالا به نسبت قبل و گرانه با سرعت قطار پیشرفت قیمت‌ها حالا پول پیتزای یک خانواده سه چهار نفره است! هیچ کتاب و مقاله‌ای به اندازه این تصاویر حال‌وهوای خاص سال ۱۳۵۸ خورشیدی را باز نمی‌تاباند. حتی روزنامه‌های آن دوران. چون تحت تأثیر گفت‌وگو چپ بودند و برخی شخصیت‌ها را برجسته می‌کردند. منظور حسن و حال

انتخاب و ابراز نظر نداشتند. صدا و سیما البته اصرار دارد از روی ۵۸ ببرد و آن را نادیده بینگارد و بر سال ۶۰ توقف کند چون اغلب ۵۸‌ها حالا مغضوب‌اند و اکثر قریب به اتفاق نواصول‌گرایان کنونی در آن زمان اسم و رسمی نداشتند و در صفحات روزنامه‌ها غایب بوده‌اند احتمالاً جز بزرگساری که تحولات انقلاب الجزایر را دنبال می‌کرده است! حتی تصویری که از امام خمینی (ره) در صدا و سیما ترسیم می‌شود مربوط به بهار ۶۰ است و نه تنها با امام نوفل‌لوشاتو در پاییز ۵۷ که حتی با امام سال ۵۸ در قم هم میانه‌ای ندارند. در همین سال بود که اوریان فالاجی خبرنگار مشهور ایتالیایی با امام مصاحبه کرد. سال ۵۸ از نظر تنوع تاریخی و خاطرات خوش یک ملت بر سال ۵۷ نیز ترجیح دارد. چون ۵۷ با تغییر مکرر دولت‌ها و بی‌برقی و بی‌نفتی و ۱۷ شهروید و قبل از آن سینما رگس یا تغییر نظر بعدی شماری از فعالان مثل سال بعد نیست و آن‌قدر که ۵۸ با خاطرات شیرین، قرین است ۵۷ نیست و پر از التهاب است. ادامه در صفحه ۲

گزیده مطالب این شماره:

مولدسازی اموال دولتی نقض قانون اساسی است

پیشنهاد رسول منتجب‌نیا برای لغو «نظارت استصوابی»

به برخی حتی یک پتو هم ندادند!

آغاز عملیات بهره‌برداری از بزرگ‌ترین معدن اورانیوم

چرا زبان‌دراز رئیس‌جمهور نمی‌شود؟ «زبان‌دراز»

با ان‌شاء... و ماشاء... نمی‌شود مشکلات را حل کرد

دولت و مجلس چه نقشی در مشکلات دارند؟ یک نماینده مجلس تأکید کرد: در رابطه با شعار افزایش سرعت اینترنت می‌بینیم وضعیت اینترنت چه وضعیتی دارد. جلال محمودزاده افزود: متأسفانه در بدنه دولت و مجلس برخی فکر می‌کنند با پاک کردن صورت مساله بر حیثیت دولت اضافه می‌شود باید گفت با ان‌شاء... و ماشاء... نمی‌توان مشکلات را حل کرد. امیدوارم دولت سیزدهم بتواند در این وضعیت با همکاری همه مردم و دستگاه‌های اجرایی و تشکل‌های مردم‌نهاد مشکلاتی را برطرف کند.

بیش از ۴ میلیون بی‌سواد مطلق یا کم‌سواد در کشور

به‌عنوان مثال بسیاری از زندانیان به علت بی‌سوادی در حوزه مالی گرفتار شده‌اند یا بسیاری از نزاع‌های خانواده‌ها به علت عدم سواد آبارتمان‌نشینی در مجتمع‌های مسکونی است.

سوادآموزی، گفت: نهضت سوادآموزی ظرفیتی برای استمرار دانایی در کشور است. رئیس سازمان نهضت سوادآموزی با اشاره به نقش سوادآموزی در کاهش آسیب‌های اجتماعی اضافه کرد که

هم‌افزایی داشته باشیم تا ظرف سه‌سال آینده موضوع آموزش سواد پایه و خواندن و نوشتن تمام شود. رئیس سازمان نهضت سوادآموزی ضمن تأکید بر لزوم بازنگری در اساستنامه سازمان نهضت

علیرضا عبیدی، رئیس سازمان نهضت سوادآموزی گفت: با وجود بیش از چهار میلیون بی‌سواد مطلق یا کم‌سواد در کشور، هنوز ماموریت ما در حوزه سوادآموزی خطیر است، باید

آن زمان اداره کشور بهتر بود یا الان؟

می‌رود. خودشان بگویند آن زمان اداره کشور بهتر بود یا الان؟ قیمت دلار، مرغ، برنج، گوشت و غیره چند بود الان چند است؟

گفت: تا زمانی که منافع ملی محور نباشد، نتیجه همین می‌شود که شاهد هستیم. دلار بالای ۴۵ هزار تومان است، هر روز بر دامنه فقر اضافه می‌شود،

رئیس دلسوز است اما برخی تمایلی به موفقیت او ندارند. غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی، نماینده ادوار مجلس درباره بازگشت سیاست‌ورزی به عقلانیت

اخراج به بهانه اسلامی کردن دانشگاه‌ها

دانشکده بارها تأکید کرده افرادی که «انقلابی» هستند باید در این دانشکده تدریس کنند. حالا اینکه منظور ایشان از انقلابی بودن چیست و ایشان بر چه مبنایی خود را مرجع ذی‌صلاح برای تشخیص میزان انقلابی بودن اساتید می‌داند، مشخص نیست. قطعاً ایشان باید در قبال ادعای خود پاسخگو باشند. وی در نهایت اشاره کرد که حقوقش ۸ تا ۷ میلیون خواهد بود.

بازهم اولویت با هیات‌های علمی است، اما در دو سه سال گذشته سیاست ریاست جدید دانشکده، این رویه به شکلی چشمگیر اعمال شد که بیش از ۱۵ نفر افراد خارج از دانشکده که حق‌التدریسی بودند به دانشگاه می‌آمدند و بعضاً دروس تخصصی ما را به آنها می‌داند و با اظهار علنی رئیس دانشکده که تدریس باید توسط افراد انقلابی انجام شود. او توضیح داد: رئیس

دلسوزی نسبت به این ۹ استاد بود، حداقل زودتر به اساتید اطلاع می‌داد که چنین اتفاقی در حال رخ دادن است! صفارودی با بیان اینکه در ۴-۵ ترم گذشته در دانشکده علوم سیاسی، شاهد کادرسازی و کادربندی بوده‌ایم، بیان داشت: طبق مصوبات ابتدا باید اساتید هیات علمی ساعت‌های موظفشان کاملاً پر شود و اگر خواهان حق‌التدریس هم هستند

است اما باید این سوال از تصمیم‌گیران آن پرسیده شود اینکه ۹ نفر را یک‌ماه مانده به سال جدید تسویه کنند و به این فکر نکنند چندین ماه هم طول می‌کشد تا تأمین اجتماعی حقوق آنها را واریز کند و چگونه قرار است زندگی را سر کنند، با کدامیک از معیارهای اخلاقی قابل سنجش است؟ این حرکت کاملاً غیراخلاقی و غیرعلمی است. اگر رئیس دانشکده فردی

سوسن صفارودی، همسر محمدعلی رامین و مادرشوهر مهناز افشار است. او گفت که: «ما ۹ نفر استادی که حکم بازنشستگی را به بهانه سن بازنشستگی تأمین اجتماعی ابلاغ کرده‌اند، بارها و بارها مورد تهمت قرار گرفتیم که ضدانقلاب هستیم، علم لحاظ حق‌التدریس در ترم جاری برای ما را نیز با همین ادله توجیه کردند. دانشگاه آزاد مدعی عمل پیرو چارچوب‌های اخلاقی

نمی‌دانم در کره شمالی چنین چیزی هست یا خیر؟

کشور را به اینجا کشانده است. -دولت در زمینه ثروت‌های ملی مرتکب خلاف شرع علنی شده است. -یک نفر در مجلس نیست این مسائل را بفهمد. -فروختن نفت و تقسیم آن حرام است.

تا ۱۵ سال حبس محکوم شود. نمی‌دانم در کره شمالی چنین چیزی هست یا خیر؟ -یک اتهامی مطرح می‌شود که می‌گوید فقه کشور را ویران کرده است. در حوزه اقتصاد، عمل نکردن به حلال و حرام،

پایگاه خبری جماران: آیت... محقق داماد در حاشیه نشست شاخه اقتصادی فرهنگستان علوم گفت: -ما در کشوری زندگی می‌کنیم که پارلمانش می‌خواهد تصویب کند که هرکس حاکمیت حرف می‌زند به ۱۰

آیت... محقق داماد گفت: ما در کشوری زندگی می‌کنیم که پارلمانش می‌خواهد تصویب کند که هرکس خلاف حاکمیت حرف می‌زند به ۱۰ سال حبس محکوم شود. نمی‌دانم در کره شمالی چنین چیزی هست یا خیر؟

ادامه در صفحه ۲

انعکاس آیین

یوسف نوری، عدم اجرای عدالت آموزشی و نابرابری‌های استخدامی

آیا وزیر آموزش و پرورش می‌داند تاکنون چه مبلغی بابت تعمیر و ترمیم مدارسسی که بخش‌هایی از آن توسط سیل مردادماه سال جاری در یزد تخریب گردیده پرداخت شده است؟ آیا به سمم و نظر یوسف نوری رسیده است مدیران آموزشگاه‌ها وجهی به عنوان سرانه آموزشگاه‌ها حتی برای خرید کاغذ و خودکار و مواد ضدعفونی و هزینه‌های اولیه و معمولی در اختیار ندارند؟ بنابراین در آن هنگام که دولت طرح بودجه سال ۱۴۰۲ را برای تقدیم به مجلس شورای اسلامی تنظیم می‌کرد و به قول یکی از اقتصاددانان آن‌گونه بودجه منزلت شده بود که هر بخش و سازمان و نهادی در پی دریافت سهم خود بودند انتظار این بود وزیر آموزش و پرورش با عنایت به موضوع «مهم و اهم» از اختصاص بودجه به حوزه‌های علمیه انتقاد می‌کرد و در این زمان حساس با وجود تنگی معیشت ده‌ها میلیون نفر ایرانی، میلیاردها تومان در برگزاری نشست «زنان تأثیرگذار» هزینه نمی‌کردند. آیا در دو سفر اخیرر وزیر آموزش و پرورش به یزد به اطلاع ایشان رسانده شد حدود هشتصد نفر معلم حمایتی (خرید خدمات آموزشی) که حقوق حداقلی دریافت می‌نمایند تاکنون بابت بهار سال ۱۴۰۰ درصد افزایش نسبت به سال ۱۳۹۹ دریافت ننموده‌اند و بخشی از حقوق ماهیانه نیز تاکنون به آنان پرداخت نگردیده است ضمناً تعداد زیادی خدمتگزار که این وضعیت را دارند نه تنها افزایش سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ را دریافت ننموده‌اند بلکه در سال تحصیلی جاری قرار است مدیران لطف فرموده حقوق مهرماه ۱۴۰۱ به آنان پرداخت نمایند!! آیا این موارد نشانه‌ای از ناکارآمدی مسئولان و نمونه‌ای از عدم اجرای عدالت آموزشی نیست؟ آیا یوسف نوری در یزد از وضعیت پنج نفر معلم که پیش از جریانات اخیر بازداشت و زندانی و اکنون با سپردن وثیقه آزاد هستند، همچنین از نحوه و چگونگی بازداشت آنان مطلع گردید؟ یا توجه به این که بیش از یک‌هزار نفر در جریانات اخیر در یزد بازداشت گرچه اکثرًا تاکنون آزاد شده‌اند و اعتراضات به مدارس استان نیز کشیده شد آیا اطلاعاتی از اختیار وزیر گذاشته شد تا از راه‌های اصولی و اندیشمندانه در آینده از این امور جلوگیری گردد؟ آیا مقامات مسئول بنا دارند از شعلهور شدن مجدد این آتش زیر خاکستر جلوگیری کنند؟

مناسب است در این موقعیت به بخش‌هایی از اعتراضات معلمان اعم از شاغل و بازنشسته و توقعات بجای آنان اشاره کرد.

فرهنگیان درخواست عدالت و برابری با سایر کارکنان دولت در پرداخت حقوق و مزایا و اجرای تمام و کمال رتبه‌بندی که با گذشت سال‌ها هنوز در کش‌وقوس مجلس و دولت و وزارت آموزش و پرورش آن گونه که باید و شاید سامان نیافته دارند آنچه تاکنون اتفاق افتاده همچون کتابی است که اول و آخر آن، افتاده است. همسان‌سازی حقوق بازنشستگان با شاغلین و فریادرسی به وضعیت اسفناک بیمه تکمیلی آنان که پس از گفتگوهای بسیار و اعتراضات بی‌شمار بازنشستگان هنوز اما و اگرهای بسیار دارد و اقدام نشده است. افزایش حقوق بازنشستگان که برابر قانون باید مطابق تورم هر سال افزایش یابد و سال گذشته دیدیم که نه براساس قانون بلکه آن گونه که گفته شد با نظر یک نفر (رییس سازمان برنامه و بودجه) فقط ۱۰درصد، افزایش یافت و همه دیدند گاه امضای به اصطلاح طلایی یک فرد بر هر قانونی ارجح است! گرچه در نیمه دوم سال جاری درصد ناچیزی به آن اضافه گردید. بی‌عدالتی در جذب نیرو در آموزش و پرورش که جمعی از زندان و مردان کار آمد و توانا و جوان با سابقه ۸–۹ ساله، تعدادی استخدام بیبمانی اند، عده‌ای حق التدریسی، گروهی خرید خدمات آموزشی‌اند و تعدادی از اینان به خاطر ۶ماه جبهه پدراششان استخدام رسمی شده‌اند و آنان که کمتر از ۶ماه دوره جبهه پدرانشان بوده، به حساب نیامده‌اند. جمعی چون در حوزه علمیه درس خوانده‌اند، امتیاز استخدام گرفته‌اند و عده‌ای هم پس از ۹سال همچنان، بلا تکلیف می‌باشند. درهم ریختگی و بی‌انضباطی و نابرابری در استخدام نیرو در آموزش و پرورش موج می‌زند و در این میان وزیر آموزش و پرورش گاه برای شنیدن سخنان این معلمان دلسوز به اندازه ۲ دقیقه هم وقت ندارد. اینان می‌شنوند که همین وزیر قرار است با جامعه مداحان قرارداد همکاری امضا کند تا آنان به مدارس وارد شوند و مداحی تدریس کنند. در یک کلام استخدام طلاب و قرارداد با مداحان آموزش و پرورش را اسلامی نخواهد کرد. اخیراً نیروی انسانی ادارات آموزش و پرورش را از نیروهای مازاد سایر ادارات تأمین می‌کنند یعنی کسانی که فراتر درخواست‌ها و نیازهای معلمان یک منطقه یا ناحیه آموزش و پرورش را پر آورند، عملاً هیچ آشنایی با دستگاه تعلیم و تربیت ندارند و کاملاً غریبه‌اند.

در سال جاری به علت برنامه‌ریزی ناصحیح و کمبود معلم در بسیاری از استان‌ها روزهای رسمی تدریس دانشگاه‌های فرهنگیان را تعطیل کرده و به دانشجویان سال آخر ماموریت داده‌اند تمام روزهای هفته را به مدارس بروند و کمبود معلم را جبران کنند و درس خودشان را روزهای پنجشنبه و جمعه ادامه دهند بدون این که دانشجویان آمادگی تدریس در دوره‌های مختلف را داشته باشند. آیا این همه درهر ریختگی و بی‌نظمی و بی‌برشانی در آموزش و پرورش کشور که اندکی از بسیار مشکلات معلمان است اگر به عنوان اعتراض مطرح شده پاسخ آن خشونت و دستگیری و اتهام ساختار شکنی و زندان و تبعید است یا پاسخگو کردن مقامات و مسئولین کشور؟ بر این‌ها بیفزایید، تبعیض غیر قابل قبول و کشنده در مورد نحوه پرداختن بسیاری از مقامات و مسئولان در مقایسه با دیگر اقشار جامعه، امکانات کم و محدود مدارس دولتی، دریافت شهر به‌های متفاوت در مدارس اعم از دولتی و بعضی از آموزشگاه‌های غیردولتی، عدم رضایت اولیای دانش آموزان، عدم تأمین تجهیزات آموزشی بویژه در شرایط بحرانی کرونا و تحصیل دانش آموزان در چادرها، کپر‌ها، کنار دیوار، نشستن بر روی بلوک‌های سیمانی و نیز وجود مدارس و کلاس‌های غیراستاندارد و بعضاً در حال تخریب و فروریزی در بسیاری از شهرها و روستاهای گوناگون که معلم و دانش آموزان و والدین با مشکلات عدیده دست به گریبانند. اینها دغدغه‌های معلمان معترض است که در سکوت و بلا تکلیفی و بی توجهی مدیران ارشد کشور، راه تنفس بر نظام تعلیم و تربیت را بسته و روز به روز بر حجم آنها افزوده می‌شود. قابل توجه این که علیرغم همه این ناهنجاری‌ها تاکنون ساخت مدارس از هرگونه اعتراضی به اهتمام مدیران و معلمان مصون بوده اما اعتراض‌های سالل جاری به هر دلیل در مدارس رخته و نفوذ کرده که راهکاری اصولی با تدبیر و علم و مشاوره واقعی می‌طلبد نه آن گونه که یوسف نوری گفته است تحویل دانش آموز به کانون اصلاح و تربیت که در این‌صورت آتش را زیر خاکستر نگه می‌دارد، ضروری است همه علاقه‌مندان و دلسوزان انقلاب و آگاهان به مسائل آموزش و پرورش و مشاوره در این مورد چاره‌اندیشی نمایند. به امید آن روز.

مدیرمسئول

انعکاس آیین

یوسف نوری، عدم اجرای عدالت آموزشی و نابرابری‌های استخدامی

آیا وزیر آموزش و پرورش می‌داند تاکنون چه مبلغی بابت تعمیر و ترمیم مدارسسی که بخش‌هایی از آن توسط سیل مردادماه سال جاری در یزد تخریب گردیده پرداخت شده است؟ آیا به سمم و نظر یوسف نوری رسیده است مدیران آموزشگاه‌ها وجهی به عنوان سرانه آموزشگاه‌ها حتی برای خرید کاغذ و خودکار و مواد ضدعفونی و هزینه‌های اولیه و معمولی در اختیار ندارند؟ بنابراین در آن هنگام که دولت طرح بودجه سال ۱۴۰۲ را برای تقدیم به مجلس شورای اسلامی تنظیم می‌کرد و به قول یکی از اقتصاددانان آن‌گونه بودجه منزلت شده بود که هر بخش و سازمان و نهادی در پی دریافت سهم خود بودند انتظار این بود وزیر آموزش و پرورش با عنایت به موضوع «مهم و اهم» از اختصاص بودجه به حوزه‌های علمیه انتقاد می‌کرد و در این زمان حساس با وجود تنگی معیشت ده‌ها میلیون نفر ایرانی، میلیاردها تومان در برگزاری نشست «زنان تأثیرگذار» هزینه نمی‌کردند. آیا در دو سفر اخیرر وزیر آموزش و پرورش به یزد به اطلاع ایشان رسانده شد حدود هشتصد نفر معلم حمایتی (خرید خدمات آموزشی) که حقوق حداقلی دریافت می‌نمایند تاکنون بابت بهار سال ۱۴۰۰ درصد افزایش نسبت به سال ۱۳۹۹ دریافت ننموده‌اند و بخشی از حقوق ماهیانه نیز تاکنون به آنان پرداخت نگردیده است ضمناً تعداد زیادی خدمتگزار که این وضعیت را دارند نه تنها افزایش سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ را دریافت ننموده‌اند بلکه در سال تحصیلی جاری قرار است مدیران لطف فرموده حقوق مهرماه ۱۴۰۱ به آنان پرداخت نمایند!! آیا این موارد نشانه‌ای از ناکارآمدی مسئولان و نمونه‌ای از عدم اجرای عدالت آموزشی نیست؟ آیا یوسف نوری در یزد از وضعیت پنج نفر معلم که پیش از جریانات اخیر بازداشت و زندانی و اکنون با سپردن وثیقه آزاد هستند، همچنین از نحوه و چگونگی بازداشت آنان مطلع گردید؟ یا توجه به این که بیش از یک‌هزار نفر در جریانات اخیر در یزد بازداشت گرچه اکثرًا تاکنون آزاد شده‌اند و اعتراضات به مدارس استان نیز کشیده شد آیا اطلاعاتی از اختیار وزیر گذاشته شد تا از راه‌های اصولی و اندیشمندانه در آینده از این امور جلوگیری گردد؟ آیا مقامات مسئول بنا دارند از شعلهور شدن مجدد این آتش زیر خاکستر جلوگیری کنند؟

مناسب است در این موقعیت به بخش‌هایی از اعتراضات معلمان اعم از شاغل و بازنشسته و توقعات بجای آنان اشاره کرد.

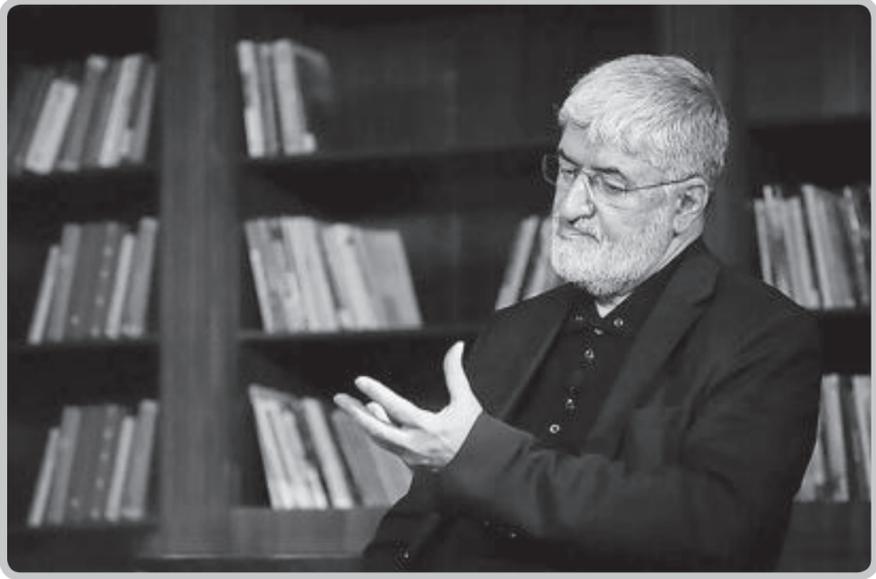
فرهنگیان درخواست عدالت و برابری با سایر کارکنان دولت در پرداخت حقوق و مزایا و اجرای تمام و کمال رتبه‌بندی که با گذشت سال‌ها هنوز در کش‌وقوس مجلس و دولت و وزارت آموزش و پرورش آن گونه که باید و شاید سامان نیافته دارند آنچه تاکنون اتفاق افتاده همچون کتابی است که اول و آخر آن، افتاده است. همسان‌سازی حقوق بازنشستگان با شاغلین و فریادرسی به وضعیت اسفناک بیمه تکمیلی آنان که پس از گفتگوهای بسیار و اعتراضات بی‌شمار بازنشستگان هنوز اما و اگرهای بسیار دارد و اقدام نشده است. افزایش حقوق بازنشستگان که برابر قانون باید مطابق تورم هر سال افزایش یابد و سال گذشته دیدیم که نه براساس قانون بلکه آن گونه که گفته شد با نظر یک نفر (رییس سازمان برنامه و بودجه) فقط ۱۰درصد، افزایش یافت و همه دیدند گاه امضای به اصطلاح طلایی یک فرد بر هر قانونی ارجح است! گرچه در نیمه دوم سال جاری درصد ناچیزی به آن اضافه گردید. بی‌عدالتی در جذب نیرو در آموزش و پرورش که جمعی از زندان و مردان کار آمد و توانا و جوان با سابقه ۸–۹ ساله، تعدادی استخدام بیبمانی اند، عده‌ای حق التدریسی، گروهی خرید خدمات آموزشی‌اند و تعدادی از اینان به خاطر ۶ماه جبهه پدراششان استخدام رسمی شده‌اند و آنان که کمتر از ۶ماه دوره جبهه پدرانشان بوده، به حساب نیامده‌اند. جمعی چون در حوزه علمیه درس خوانده‌اند، امتیاز استخدام گرفته‌اند و عده‌ای هم پس از ۹سال همچنان، بلا تکلیف می‌باشند. درهم ریختگی و بی‌انضباطی و نابرابری در استخدام نیرو در آموزش و پرورش موج می‌زند و در این میان وزیر آموزش و پرورش گاه برای شنیدن سخنان این معلمان دلسوز به اندازه ۲ دقیقه هم وقت ندارد. اینان می‌شنوند که همین وزیر قرار است با جامعه مداحان قرارداد همکاری امضا کند تا آنان به مدارس وارد شوند و مداحی تدریس کنند. در یک کلام استخدام طلاب و قرارداد با مداحان آموزش و پرورش را اسلامی نخواهد کرد. اخیراً نیروی انسانی ادارات آموزش و پرورش را از نیروهای مازاد سایر ادارات تأمین می‌کنند یعنی کسانی که فراتر درخواست‌ها و نیازهای معلمان یک منطقه یا ناحیه آموزش و پرورش را پر آورند، عملاً هیچ آشنایی با دستگاه تعلیم و تربیت ندارند و کاملاً غریبه‌اند.

۵۸ را باید حس کرده باشی تا بدانی

یعنی چه. به جز خانواده‌های سران وابسته به رژیم پهلوی و ژنرال‌هایی که با احکام شیخ صادق خلخالسی اعدام شدند و خانواده‌های آن سه پزشک یا بازرگان اصفهانی یا دیگرانی که به خطا برای آنها حکم صادر کرد و مجموع شمار این دسته از اعدامی‌ها در آن مقطع و نه بعدتر البته زیر ۱۰۰ نفر است یا مصدراهایی که بر سر آنها حرف و سخن درگرفت –اگرچه برخی اجتناب‌ناپذیر بود چررا که به بانک‌ها بدهکار بودند یا رها کرده و رفته بودند– ۵۸ واقعا بوی آزادی می‌داد. گمان نمی‌کنم حتی سال‌های ۳۰ و ۳۱ در دولت ملی دکتر مصدق هم چنین بوده باشند چون رسانه‌های ارتباطی محدود به رادیو و روزنامه بود و ایران آن زمان با بعد قابل قیاس نیست. در دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ خورشیدی بود که ایران، مدرن شد و در اقتصاد و صنعت و فرهنگ جهش کرد و طبقه متوسط به معنای دهه ۵۰ هنوز در دهه ۳۰ شکل نگرفته بود و یافت غالب ایران، روستایی بود. ۵۸ اما سال مانور طبقه متوسط بود. آرمان‌خواهی طبقه تحصیل کرده و آزادی‌خواه. شوخی نبود در هر جمعی سخن از ایده و اندیشه اجتماعی بود و جامعه مثل امروز این‌قدر امتیزه و مادی و مایوس نشده نبود. سال ۵۸ در این مملکت اتفاقاتی رخ داد که در تاریخ ایران بی‌سابقه است. برای اولین‌بار همه‌پرسی تغییر رژیم سیاسی برگزار شد. چند ماه بعد رفراendum قانون اساسی و قبل از آن انتخابات نمایندگان مجلس بررسی پیش‌نویس آن و نیز انتخابات مجلس شورای ملی که بعداً نام آن اسلامی شد. در زمستان همین سال اولین‌بار مردم پای صندوق رفتند تا رییس جمهوری انتخاب کنند و ابوالحسن بنی‌صدر با قریب ۱۱ میلیون رأی نخستین رییس اجرایی کشور در تاریخ چند هزار ساله ایران می‌شد که مستقیماً از مردم رأی گرفته بود. در این سال احمد شاملو هر هفته یک مجله منتشر می‌کرد بی‌آن‌که امتیازی برای آن دریافت کرده باشد. همه گروه‌های سیاسی با هر تفکری دفتر و نشریه داشتند. چند ماه از پیروزی انقلاب گذشته و قیمت دلار همچنان هفت تومان بود! نخست‌وزیر مملکت –بازرگان– با روحیه طنز مستقیم به مردم گزارش می‌داد و مثل حالا نیاзд به صحنه‌آرایی نبود تا

یستند

مولدسازی اموال دولتی نقض قانون اساسی است



مفهوم مولدسازی دارایی‌های دولت این است که دولت اموال بلااستفاده‌ای که دارد یا اموالی که ارزش افزوده و بهره‌وری پایین دارد و سال‌ها راها شده‌اند و استفاده مطلوبی از این اموال صورت نمی‌گیرد را شناسایی کند تا این اموال بهینه‌سازی شود و بهره‌وری و ارزش افزوده آن‌ها افزایش یابد. این اموال برای نسل‌های کنونی و آینده است و اینگونه نیست که احساس کنیم اموال دولت فقط برای دوره کنونی است، این اموال همانند

مولدسازی دارایی‌های دولت این است که تلاش شود تا از این اموال به صورت بهینه استفاده شود. مولدسازی دارایی‌های دولت یک نوع ثروت‌آفرینی است و ثروت‌آفرینی هم می‌تواند رویکرد مادی و هم می‌تواند یک رویکرد غیرمادی داشته باشد یعنی می‌توانیم یک فضای خالی و بلااستفاده را تبدیل به یک بخش تجاری، بخش صنعتی یا فضای سبز کنیم که بسته به طراحان و برنامه‌ریزان آن متفاوت است.

پیش‌بینی یک کارشناس از رقم حقوق کارمندان در سال آینده

دستمزد برای کارگران و بازنشستگان شود. سیدکاظم دلخوش، سخنگوی کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس هم تأکید کرده است: افزایش ۴۰ درصدی تورم با افزایش

مجرى كت‌وشلوار بنفش بپوشد و پرچم ایران را روی پرده نورپردازی کنند یا هنوز ییاد نگرفته بودند و افتخار کند که سر ماه حقوق دادیم. بازرگان از بی‌پولی دولت می‌گفت و از انتقاد از شخص رهبری انقلاب با آن کاریزما و ائوریته و نفوذ هم ابا نداشت و حتی یک‌بار گفت: «آقا! شما هم که ما را کلافه کردید با این سفارش آب و برق مجانی. مگر می‌شود مجانی خدمات داد؟» و بعد از استعفا هم در پاسخ به این پرسش که چرا برای ملاقات با مشاور کارتر (برژه ژنیسکی) در الجزایر از امام اجازه نگرفته گفت: «مگر ایشان شاه است و من هویدا هستم که به خاطر ملاقات با مقام خارجی اجازه بگیرم؟ نخست‌وزیری که اختیار نداشته باشد و بخواهد برای هر کاری اجازه بگیرد به درد جزر لادیار می‌خورد.» در این سال ۵۸ رادیو و تلویزیون اگرچه ریسی به‌نام صدق قطب‌زاده دارد اما هم او مدیریت شبکه دو را به مسعود کیمیایی می‌سپارد. فقط در سال ۵۸ است که یک کارگردان در اندازه و آوازه او می‌تواند رییس یک شبکه تلویزیونی رسمی شود. سال ۵۸ سال جمع‌هایی با نمازهای باشکوه است. ۶ روز جمعی سخن از ایده و اندیشه اجتماعی می‌داند و جمعه روز مانور مذهبی‌ها در همان نمازجمعه بود. نگاه به حالا تکنید که پنج‌شش هزار نفر پشت سر آقای کاظم صدیقی در نمازجمعه حاضر می‌شوند. گاه دو میلیون نفر در تهران ۴ میلیونی پشت سر آقای طالقانی نماز می‌خواندند و بعد از ایشان هم در سال ۵۸ ادامه یافت. البته «من‌وتو» تبلیغ می‌کند ۷۰۰۰ تومان بود. معادل حقوق یک‌ماه یک مهندس تازه استخدام شده و دو برابر یک معلم ساده. قیمت انواع سکه هم در بازار تهران در سال ۵۸ این‌گونه بود: ربع پهلوی ۳۰۰ تومان، نیم پهلوی ۶۰۰ تومان، یک پهلوی ۱۳۰۰ تومان، دوتیم پهلوی ۲۱۰۰ تومان، پنج پهلوی ۶۲۰۰ تومان، ده پهلوی ۱۵۰۰ تومان و یک بهار آزادی ۱۵۰۰ تومان. (یعنی کمی بیش از حداقل دستمزد ماهانه کارگر). در همان سال ۵۸ دستمزد کارگر ساده روزانه ۸۰ تومان بود درحالی‌که حداقل دستمزد کارگران استخدامی از ۷۵۰ تومان در سال ۵۷ ناگهان به ۱۲۰۰ تومان افزایش یافته بود. کاری که درپوش فروهر وزیر کار دولت موقت انجام داد و

ندارم. حال‌وهوا را می‌گویم. حس سرزندگی مسوح می‌زد. نمی‌دانستی به ییاد نگرفته بودی و افتخار کنی که نام آن تازه طالقانی شده بود یا به پیاده‌روی خیابان ولی‌عصر از چهارراه مصدق تا پارک ملت که پر از دکه بود. هنوز نام چهارراه مصدق چهارراه ولی‌عصر نشده بود. در همان انتخابات ریاست جمهوری به جز هواداران مجاهدین خلق که از حذف مسعود رجوی سخرورده شده بودند بقیه نامزدی داشتند. یکی به بنی‌صدر رأی می‌داد و دیگری به مدنی و سومی به حبیبی و آزادی‌قطب‌زاده با آن همه سر و صدا رقت‌آور بود. پایگاه اجتماعی مسعود رجوی هم در انتخابات مجلس محک خورد و در رتبه‌های آخر جا گرفت و با دو مرحله‌ای شدن انتخابات جا ماند. با این حال تنها هم سیاسی ۵۸ آزادی همه جرحجاب و بی‌نیست. از حیث اقتصادی هم هر که سال ۵۸ ملکی خرید بُرد. در سال ۵۸ دلار ۷ تومان بود حتی یکی دو ماه بعد از اشغال سفارت. قیمت یک آپارتمان دو خوابه در خیابان گاندی تهران ۵۰۰ هزار تومان بود که ۳۰۰ هزار تومان آن را اگر ۳۰ هزار تومان سپرده گذاشته بودید وام می‌گرفتید! در بالای یوسف‌آباد برادر آقای کروبی –حسن– یک دفتر مسکن راه انداخته بود که ربطی به بنیاد مسکن نداشت و یک روز به افراد عادی زمین‌های چهارصد متری داد و چه فروخته باشند و چه ساکن حالا همه میلیاردرند! قیمت تور ۱۲ روزه لندن در سال ۵۸ و بعد از پیروزی انقلاب نه در عهد محمد رضاشاه چندان که تلویزیون «من‌وتو» تبلیغ می‌کند ۷۰۰۰ تومان بود. معادل حقوق یک‌ماه یک مهندس تازه استخدام شده و دو برابر یک معلم ساده. قیمت انواع سکه هم در بازار تهران در سال ۵۸ این‌گونه بود: ربع پهلوی ۳۰۰ تومان، نیم پهلوی ۶۰۰ تومان، یک پهلوی ۱۳۰۰ تومان، دوتیم پهلوی ۲۱۰۰ تومان، پنج پهلوی ۶۲۰۰ تومان، ده پهلوی ۱۵۰۰ تومان و یک بهار آزادی ۱۵۰۰ تومان. (یعنی کمی بیش از حداقل دستمزد ماهانه کارگر). در همان سال ۵۸ دستمزد کارگر ساده روزانه ۸۰ تومان بود درحالی‌که حداقل دستمزد کارگران استخدامی از ۷۵۰ تومان در سال ۵۷ ناگهان به ۱۲۰۰ تومان افزایش یافته بود. کاری که درپوش فروهر وزیر کار دولت موقت انجام داد و

نفت، سرمایه بین نسلی است و باید تلاش شود تا از این اموال به صورت بهینه استفاده شود. مولدسازی دارایی‌های دولت یک نوع ثروت‌آفرینی است و ثروت‌آفرینی هم می‌تواند رویکرد مادی و هم می‌تواند یک رویکرد غیرمادی داشته باشد یعنی می‌توانیم یک فضای خالی و بلااستفاده را تبدیل به یک بخش تجاری، بخش صنعتی یا فضای سبز کنیم که بسته به طراحان و برنامه‌ریزان آن متفاوت است.

پیش‌بینی یک کارشناس از رقم حقوق کارمندان در سال آینده

۲۰ درصدی حقوق و دستمزد همخوانی نداشته و مشکلات کارکنان دولت را حل نخواهد کرد. همچنین بازنشستگان به هیچ عنوان در شورای عالی کار نماینده ندارند و

آری، این چنین بود ۵۸!

دولت در برابر عمل انجام شده قرار گرفت چون فروهر منتظر تصویب هیات دولت نماند و خود ابلاغ کرد! سال ۵۸ سال آزادی مطلق است که البته معلوم بود نمی‌باید ولی هرچه بود تجربه منحصربه‌فردی بود. ۷۵درصد جمعیت ایران امروز زیر ۵۰ سال سن دارند و طبعاً یا آن زمان را درک نکرده‌اند یا زیر ۵ سال بوده‌اند و تجربه مستقیم ندارند اما دریغ است که از ۵۸ یاد نکنیم. ۵۸ این‌قدر آزاد بود که باورتان نمی‌شود حتی گوگوش هم در بهار آن سال در برخی جاها می‌خوانده است! در روزنامه هم آگهی می‌دادند. یا باورتان نمی‌شود فریدون فرخ‌زاد به صادق قطب‌زاده اعتراض می‌کرد چررا مرا اخراج کردی؟ قاعدتاً باورتان نمی‌شود اگر بگویم هرچیز دیگری مختارید ولی ۵۸ این‌گونه بود. حتی برخی از ایرانیان خارج‌نشین هم از این فضا تأثیر پذیرفته بودند. باورپذیر نیست ولی واقعیت دارد که وقتی خبر اشغال سفارت آمریکا در تهران منتشر می‌شود شهرام شب‌پره خواننده موسیقی پاپ ساعت‌ها با موتوسیکلت و با پرچم ایران در خیابان‌های شهری در آمریکا –احتمالاً لس آنجلس– می‌چرخیده و شادی می‌کرده است! ۵۸! چنین سالی بود و امید تا بدان حد که مهندس بازرگان بعد از کناره‌گیری دست از سیاست نمی‌شوید و به شاه نامه می‌نویسید که برگرد به ایران و خود را تسلیم کن تا غایله گروگان‌ها ختم به خیر شود و انگار نه انگار ۸ماه قبل نخست‌وزیر رییس مجلس او (هوییدا و ریاضی) اعدام شده بودند! مراد حسن روحانی البته بازگشت به آن حال و هوا نیست چون زمان هرگز به عقب بازمی‌گردد و به قول اهل فلسفه در یک رودخانه دوبار نمی‌توان شنا کرد ولی می‌خواهد از اهمیت انتخابات آزاد و یک الگوی تاریخی بگوید و غالب این‌که در مجلس اول که بدون نظارت استصوابی تشکیل شد نمی‌ز نمایندگان

زمین‌ها و دارایی‌های راكد در کشور باید مولدسازی شوند

در همین خصوص شتقاقی شهری کارشناس اقتصادی با بیان اینکه برخی از دستگاه‌های دولتی زمین‌های بلااستفاده زیادی دارند و می‌توان این زمین‌ها را مولد کرد، ادامه داد: حتی تبدیل این زمین‌ها به فضای سبز با کمک بخش خصوصی می‌تواند سلامت شهروندان را ارتقا دهد و این به معنی مولدسازی و ایجاد ثروت است. وی با بیان اینکه مولدسازی دارایی‌های دولت به عنوان فروش اموال دولت نیست و این دو موضوع متفاوت از هم است، تأکید کرد: در فروش اموال، یعنی دولت زمینی را در اختیار دارد و به دنبال فروش آن است که این به عنوان فروش اموال محسوب می‌شود، اما مولدسازی دارایی‌های دولت یعنی ثروت‌افزایی و افزایش بهره‌وری این دارایی‌ها که با رویکرد متفاوت مواجه است. شتقاقی شهری ادامه داد: به دولتمردان و هیاتی‌که برای مولدسازی تشکیل شده است توصیه می‌کنم حتماً بین فروش و مولدسازی تفاوت قائل شوند، در مولدسازی اگر درآمدی کسب می‌شود باید حتماً در توسعه زیرساخت‌ها استفاده شود نه در هزینه‌های جاری و این باید خط قرمز دولت و کشور باشد.

حقوق ۷ میلیون تومانی با تورم فعلی به هیچ عنوان جوابگوی نیازهای مردم نبوده و این موضوعات از مسائل مهمی است که باید دقت لازم درباره آن لحاظ شود.

منتخب مردم با آرای بالا و در رقابت با چپ‌ها و مجاهدین و روشن‌فکران عرفی، روحانی (معمم) بودند. بیش از ۱۵۰ نفر از ۲۷۰ نماینده درحالی‌که هرچه نظارت استصوابی بیشتر شد شمار آنان هم کمتر شد و این یعنی نقض غرض و کار به جایی رسیده که امروز مجلس، عملاً محلی از اعراب ندارد. اگر ۵۸ را درک کرده باشید این توصیفات را تصدیق می‌کنید اما اگر ۵۸ را درک نکرده باشید و کتاب و تصاویر حکومت ۵۸ را هم ندیده باشید شاید برای شما غیرقابل باور درنظر آید و تعجبی هم ندارد. چون نه تلویزیون من‌وتو تصویر ۵۸ را بازمی‌تاباند (زیرا مایل است بعد ۵۷ را یک‌سره سیاه و تار و تلخ جلوه دهد) و نه صداسویما بر ۵۸ درنگ می‌کند چون در این سال خبری از حجاب اجباری و نظارت استصوابی و مانند اینها نبود. این سال اما در خاطره جمعی ایرانیان چندان شیرین نشده که نه نظیری در قبل دارد و نه بعد. ۵۸ سالی است که فرش‌فروش محله ما دختر خود را به جوان دلاکی داد که در مسجد کنار او نماز می‌خواند چون معیار ازدواج تنها تقوا شده بود نه طبقه اجتماعی و البته سه چهار سال بعد که معیارها عوض شد آن دو جدا شدند! یعنی مرد کاسب خواست جدا شوند! این یادداشت ناظر به شخصیت‌ها نیست. حال‌وهوا مهم است. حال و هوایی که دیگر تکرار نشند. این که مردم درباره سیاست و فرهنگ و آرزوها حرف بزنند و این که همه‌جا حرف از دلار باشد و سکه یا میل به مهاجرت باشد کجا؟ در میان رمان‌های ایرانی حال و هوای سال ۵۸ در صفحات آغازین رمان «ثریا در اغما» بازتاب دارد و اگرچه در شروع رمان در حال روایت مهر ۵۹ است اما گریزی به یک سال قبل از آن می‌زند: «عباس آقا مردنی از آن روحیه‌های شاد و آزاد است و من از او خیلی خوشم می‌آید. دلم می‌خواست می‌فهمید پشت سر در تهران چه دارد و چه جور زندگی کرده است… گاهی هم اقتباس تصنیف را با آهنگ آن ترانه هایدو را با دو دانگ صدایش می‌خواند: اول اینکلابمون حرفا چه شاعرانه بود…» سال ۵۸ شاید صدقایی از این شعر خواجه هم بود: خیال حوصله بحر می‌پزد هیئات…چه‌هاست در سر این قطره محال‌اندیش…

آری، این چنین بود ۵۸…

